نیم نگاهی به دست آوردهای نظام اسلامی در سی و چهار سال گذشته

یک کهکشان افتخار

■حسین منصور

اشاره:

سی‌وچهار سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی گذشته و اندک اندک این مولود عظیم و عزیز به سالهای میان سالی عمرش پا می گذارد. آنها که سال‌های تلخ و سیاه حاکمیت طاغوت را دیده بودند، می دانند که چه بودیم و چه شدیم. چه بر سر ملت رفته بود و امروز چه جایگاهی دارد. اما در نقطه مقابل نسل جوان و پویایی داریم که متأسفانه به هر دلیل کمتر از گذشته خود با خبر است تلخی‌ها و تیره‌بختی‌های آن روزگار را ندیده و حتی نشنیده و نخوانده است. فرصت نداشته یا منبع و گوینده درست و حسابی و بدرد بخور پیدا نکرده. در کنار آن رسانه‌ها و جریان مرموز و خزنده‌ای است که دائم در صدد القای ترس و ناامیدی، یأس و سرخوردگی در میان جامعه و خصوصاً نسل جوان است این که هر چه کردیم اشتباه بود! گذشته بهتر بود! دستاوردی نداشتیم و از دنیا عقبیم! در انزوائیم و دنیا ما را به حساب نمی آورد! آنقدر با هزار زبان گفته‌اند و همچون خناس‌ها در دلهای پاک و بی آلایش جامعه جوان دمیده اند که اندک‌اندک در برخی دلهای ضعیف بذر تردید کاشته شده است که آیا این حرفها درست است؟ واقعاً جمهوری اسلامی و حاکمیت دینی هیچ دستاوردی نداشته؟! آیا به لحاظ علمی رشدی نکرده‌ایم؟ این آیاها و این تلخی‌های ساختگی وقتی با چاشنی برخی ناملایمات، سوء تدبیرها و سوءمدیریتها درهم می آمیزد، شبهه را عمیق تر و درد را جانکاه‌تر می کند. گرانی و تورم همه چیز را در خود می‌بلعد و خورشیدهای درخشان این کهکشان پرافتخار پای قیمت مرغ و دلار قربانی می‌شوند و فروغشان نادیده گرفته می‌شود. نگاه غیرمنصفانه و ضدمیهنی که با هیچ منطق عقلی و انسانی سازگار نیست. واقعیت آنست که در همین دوره سی و چهار ساله به مدارج و افتخارات بلندی دست پیداکرده‌ایم که اگربخواهیم فقط فهرستی از آنها را منتشر کنیم چندین و چند کتاب باید فراهم کرد. این که در چه دولتی و چه گرایش سیاسی این دستاوردها حاصل شده مهم نیست. مهم اینست که همه اینها تحت یک پرچم و یک حاکمیت بوده و آن جمهوری اسلامی ایران است و دعواها و اختلافات سیاسی نباید و نمی تواند خدشه‌ای در اصل این دستاوردها داشته باشد و ازارزش این تلاشها بکاهد یا بر آن بیفزاید. در این مقال و مجال به فهرست برخی دستاوردهای سالهای اخیر اشاره می کنیم و به فضل خدا در شماره‌های آتی نیز آن را پی‌می گیریم. یقیناً آنان که اهل فضل و فهم هستند، در مقابل عظمت ملت ایران و این همه پیشرفت شگفت‌انگیز سر تعظیم و تکریم فرو می آورند.

اگر قبل از انقلاب برای هر کار ساده‌ای نیازمند بیگانگان و خصوصاً آمریکایی‌ها بودیم، اگر سی‌وشش هزار مستشار رسمی واعلام شده و چندین هزار نفر دیگر به صورت غیررسمی بر هر کار ساده‌ای درایران نظارت و دخالت داشتند، امروزه ورق برگشته است و ایران اسلامی به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ورهبری‌های امام عزیز و رهبر معظم انقلاب، در جایگاه بلند و رفیع علم قرار گرفته است آن قدر که دشمنان و آنانکه روزگاری ما را به هیچ هم حساب نمی‌کردند امروزه به زبان آمده‌اند با حیرت فقط می‌توانند تحسین مان کنند.

تحریم و تهدید و ترور، نوار پیروزی‌ها و پیشرفت‌های ما را متوقف نکرد و روز به روز بالا و بالاتر رفتیم. همین چند وقت قبل بود که مؤسسه معتبر و بین‌المللی اسکوپوس ایران را پانزدهمین کشور تولید کننده علم معرفی کرد و چند روزقبل هم مؤسسه معروف ISI ایران را در جایگاه سیزدهم معرفی کرد.

اگر تأکیدات دین مبین اسلام ورهبران نظام مقدس جمهوری اسلامی را بررسی کنیم می‌بینیم که هیچ دین و هیچ دولتی تا این حد به اهمیت علم‌آموزی‌ها تأکید نداشته‌اند یک نمونه آن از زبان رهبر عزیز و مقتدر ایران اسلامی این است: «یک مسئله دیگر، تربیت علمی جوانهاست. باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود:«العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه. باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه قوی پیدا خواهید کرد.» اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند. جوانهاتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب درردیف‌های آخر آخر علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که دردنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه شانزدهم دنیاست. این مال چند ماه قبل از این است. خود آن مراکزی که این بیان را کردند پیش‌بینی کردند و گفتند تا چندسال دیگر معین کردند تا چه سالی؛ مثلاً تا ده سال، دوازده سال دیگر ایران به رتبه تک‌رقمی خواهد رسید؛ آنها گفتند چهارم در دنیا. این به این خاطر است که شتاب علمی در ایران، شتاب زیادی است. البته ما از دنیا هنوز خیلی عقبیم. شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیاست، اما باز عقبیم. اگر با این شتاب پیش برویم، به جلو خواهیم رسید. این حرکت دردنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوان‌های خوبی داریم، جوانهای خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمانها بوده؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده ممکنی است؛ همت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که می‌تواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.»

این نمونه و صدها نمونه دیگر، موتور محرک و ستون اصلی هزاران جوان خداجوی و مؤمن به نظام و انقلاب شد تا مرزهای علم را یکی پس از دیگری پشت سربگذارند و از هر رقیب صاحب‌نامی سبقت بگیرید. سخنرانی معروف و حدیث «العلم سلطان» که رهبر عزیز در جمع جوانان دانشگاهی بیان کردند، تا فراسوی مرزهای ایران رفت و همه اذعان کردند که باید منتظر جوانان علمی و تحولات بنیادی در علم و تولید علم ایران بود. سال ۲۰۱۰ بود که مجله مشهور و بین‌المللی ساینس که از معتبرترین و مشهورترین نشریات است درباره ایران اینگونه گزارش داد «شاید سال ۲۰۱۰ برای چینی‌ها سال ببر باشد، اما به نظر می‌رسد که از لحاظ علمی، سال ۲۰۱۰ سال ایران خواهد بود.» این نشریه با اشاره به یافته‌های یک گزارش در مورد روند علمی در جهان عنوان کرد: «تولید علم در ایران، یازده برابر میانگین جهان و سریع تر از هر کشور دیگری است».

استناد نیوساینتیست به گزارش مؤسسه کانادایی «ساینس متریکس (Science-metrix)» است که در آن خبر از «تغییر ژئوپولتیکی در تولید علم جهان» داده شده است. به گزارش این مؤسسه، رشد علم در خاورمیانه «سریع» و مقدار آن حدود چهار برابر میانگین جهان است که ایران و ترکیه پیشتاز این رشد سریع علمی هستند. ساینس متریکس خاورمیانه را منطقه‌ای نامید که از این پس باید چشم‌ها به آن دوخته شود.

در خلاصه این گزارش آمده است: «ایران در دو دهه گذشته، زیرساخت‌های علمی را به سرعت فراهم آورده و امروز با استفاده از آن به جایگاه فعلی در تولید علم دنیا رسیده است.»

«ساینس متریکس» در بخش دیگری از گزارش خود با اشاره به هشت سال دفاع مقدس افزود: «اوج‌گیری رشد علمی در ایران از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است و این، روندی غیرعادی برای کشوری است که به تازگی جنگ را پشت‌سر گذاشته است.» به نوشته این گزارش، «در واقع رشد علمی ایران از کشورهای روسیه، هند، برزیل و چین (موسوم به پنج قدرت در حال ظهور در جهان) نیز سریع‌تر بوده است.»

حمایت همه جانبه غرب از عراق در طول جنگ علیه ایران باعث شد تا رژیم این کشور از برتری تکنولوژیکی نسبت به ایران برخوردار باشد؛ لذا ایران بعد از جنگ با عراق متوجه شد باید در تولید علم خودکفا شود.

بنا بر یافته‌های گزارش ساینس متریکس، درصد رشد پیشرفت‌های علمی ایران در حوزه‌های استراتژیک مانند فیزیک و شیمی هسته‌ای بوده است. همچنین، شاخص‌های علمی در بهداشت عمومی و حوزه‌هایی همچون روان‌شناسی، پزشکی اطفال و زنان، بیولوژی و دیگر بخش‌های پزشکی نیز رشد کرده است. این گزارش تأکید می‌کند که در صورت استفاده مناسب و سازنده از این تولیدات علمی، کیفیت زندگی ایرانیان افزایش پیدا خواهد کرد.

به راستی سالها قبل ایران و ایرانی از دانش روز دنیا چه می‌دانست؟ این همان ایران ست که نخست‌وزیر نادانش احمد قوام گفته بود ایرانی نمی‌تواند یک کارخانه سیمان را اداره کند! همان ایرانی است که تقی‌زاده گفته بود «برای پیشرفت باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم»! نشدیم ولی همه چیز شدیم! ایرانی که نمی‌دانست رشته‌های معمولی علم چیست و برای هر دانش ساده‌ای به خارج دانشجو می‌فرستاد، برای هر عمل جراحی ساده‌ای بیمارش را روانه دیگر کشورها می‌کرد و برای هر کارخانه ساده‌ای تجهیزاتش را سفارش به ابرقدرتها می‌داد، امروز پذیرای هزاران بیمار خارجی است، صادر کننده ده‌ها و صدها دانش و تکنولوژی است. سالها سدساز و تونل‌ساز اول دنیاست و در دهها رشته و فن و مهارت خودکفا،مبدع و مرجع است. فهرست اندکی از برخی از این پیشرفت‌ها را این گونه می‌توان شمرد.

برگی از افتخارات نظام مقدس جمهوری اسلام در حوزه پزشکی:

در ۳۰ سال گذشته موفقیت‌های بزرگی در پرتو پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، افزایش سواد، بهبود ارتباط و دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی اتفاق افتاده است. پیشرفت های دارویی و کشف و تولید داروهای جدید و نوترکیب، پیشرفت در حوزه تخصص های جراحی و ابداع روش های جدید درمانی، ریشه کن کردن بعضی از بیماری ها، بهبود وضعیت درمانی ، تاسیس و گسترش مراکز علمی- پژوهشی مورد نیاز جامعه و توجه ویژه به مهندسی پزشکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه پزشکی است.

این تلاشها باعث شده است که ایران به شاخص های سلامت نسبتا خوبی دست یازد؛ برای مثال، بیش از ۸۵ درصد جمعیت در مناطق محروم به خدمات بهداشتی اولیه دسترسی دارند. میزان مرگ و میر نوزادان ۶/۲۸ در هر ۱۰۰۰ تولد، میزان مرگ و میر زیر پنج سال ۳۴ نفر در هر ۱۰۰۰ تولد و میزان مرگ و میر مادران ۲۵ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ زایمان است. فلج اطفال تقریبا ریشه کن شده است و پوشش ایمن سازی زنان باردار و کودکان بسیار گسترده است. دسترسی به آب شرب سالم برای بیش از ۹۰درصد جمعیت شهری و روستایی کشور میسر شده است. بیش از ۸۰ درصد جمعیت به خدمات بهداشتی دسترسی دارند.

در ادامه به برخی از مهم ترین دستاوردهای جامعه پزشکی ایران اشاره خواهیم کرد:

۱ - ساخت قوی ترین چسب بافتی دنیا در ایران

قوی ترین چسب بافتی هوشمند دنیا در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ساخته شد.

به طور کلی چسب های بافتی دو نوع تجاری و اتولوگ دارند، چسب های تجاری فقط برای بافت های سطحی کاربرد دارند و بسیار گران هستند، اما چسب های ایرانی با استفاده از پلاسمای هر فرد برای خود او ساخته می شود که این دستاورد علمی از نوع دوم است.

در انواع چسب های بافتی ماده ای که موجب استحکام چسب می شود به نام فیبرینوژن شناخته می شود که تاکنون فیبرینوژن های ساخته شده در حد ۲۹ میلی گرم غلظت داشته اند، اما در چسب جدید ایرانی، این غلظت به ۳۰ تا ۷۰ میلی گرم و در مواردی تا ۹۰ میلی گرم افزایش یافته است که به تناسب بافتی که باید چسبانده شود می توان از غلظت های متفاوت آن استفاده کرد و به همین علت این چسب بافتی را هوشمند نامیده اند.

یکی از شاخص های مهم چسب های بافتی قدرت کشش پذیری آنهاست که این چسب ها بر اساس آن طبقه بندی می شوند و کشش پذیری این چسب تاکنون در دنیا معادل ندارد و قدرت کشش پذیری و استحکام قدرت آن بی نظیر است. بهترین چسب های بافتی مشابه که در آمریکا ساخته شده توانسته است برای چسباندن عروق موش که حیوان کم تحرکی است به کار رود، اما این چسب با موفقیت توانست عروق سگ را که تحرک بسیار بالایی دارد به خوبی بچسباند

۲- استفاده از لیزر در ساخت پوست مصنوعی

بعد از موفقیت محققان کشور در ساخت پوست طبیعی و درمان دائمی زخم های سوختگی، این بار پژوهشگران ایرانی برای اولین بار در جهان نوع جدیدی از جایگزین مصنوعی پوست را با کمک لیزر و با استفاده از پلیمرهای زیستی و صناعی تولید کردند. این پلیمر زیستی امکان جذب ، ضد عفونی ، چسبندگی مناسب به زخم و کنترل عفونت را دارد . از آنجا که پوست گسترده ترین و سنگین ترین عضو منفرد بدن است و واضح ترین عمل آن تامین یک سد فیزیکی محافظتی بین بدن و محیط است که در ضمن اجازه ورود و خروج مواد لازم در حفظ فضای فیزیولوژیکی داخل بدن مهم ترین نقش را ایفا می کند ؛ هدف از اجرای این پروژه، طراحی و ساخت جایگزین مصنوعی پوست به گونه ای بود که حداقل خصوصیات مورد نیاز را داشته باشد و در صورت بروز آسیب پوستی بتواند در کوتاه مدت و در همان مراحل اولیه، نقش خود را در تولید و بازسازی درازمدت پوست ایفا کند. هدف اصلی این ابتکار آن بود که عملکرد این جایگزین خللی در محیط طبیعی بدن ایجاد نکند و در نهایت پوست بازسازی شده شکل و حالت و در نتیجه عملکرد طبیعی خود را باز یابد، بدون آنکه مشکلی را از نظر زیبایی به وجود آورد. در حال حاضر پوست مصنوعی ساخته شده همه این ویژگی ها را دارد. مطالعه حیوانی به دست آمده در سطوح مختلف نتایج مثبتی در بر داشت و استفاده از این جایگزین پوستی در درمان زخم های تمام ضخامت در موش صحرایی موثر گزارش شده است.

این نوآوری عمدتا مربوط به استفاده صحیح از مواد مختلف مناسب با هم و در فرآیندهای پیچیده موفقی بود که درنهایت نتایج بسیار امیدبخش را به ارمغان آورد. ویژگی های این دستاورد جدید، امکان ضد عفونی کردن، شفاف بودن، چسبندگی مناسب به زخم در طول دوره مورد نیاز و برداشت از روی زخم باز سازی شده در موقع مناسب، خواص مکانیکی مناسب، کنترل عفونت، عدم داشتن خاصیت تحریک سیستم ایمنی و در نتیجه ایجاد التهاب کمتر در زخم، عدم سمی و مضر بودن برای سیستم حیاتی، سرعت تخریب زیستی مناسب در مورد مواد زیستی به کار رفته از جایگزین، عدم ایجاد انقباض در مدت بازسازی شده نهایی، تسریع در التیام زخم، بوده و مهم ترین مزیت این جایگزین امکان استفاده از آن در زخم های تمام ضخامت، با انتظار عملکرد طبیعی در مراحل اولیه و ایجاد پوست با شکل طبیعی، پس از بازسازی است؛ به طوری که با بافت پوست طبیعی اطراف زخم تفاوتی نشان نمی دهد. در این جایگزین، امکان تغییر ویژگی های پلیمر، متناسب با خصوصیات متفاوت فردی وجود دارد و در آینده می توان از آن به عنوان داربست در مهندسی بافت پوست، برای تولید پوست مصنوعی بهره برد.

*** این همان ایرانست که نخست‌وزیر نادانش احمد قوام گفته بود توان ایرانی نمی‌تواند یک کارخانه سیمان را اداره کند! همان ایرانی است که تقی‌زاده گفته بود «برای پیشرفت باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم»! نشدیم ولی همه چیز شدیم!**

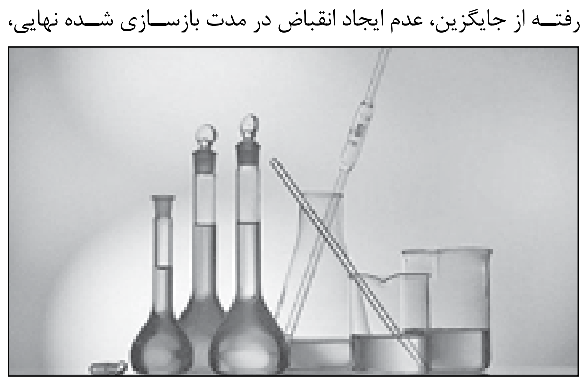

*** سخنرانی معروف و حدیث «العلم سلطان» که رهبر عزیز در جمع جوانان دانشگاهی بیان کردند، تا فراسوی مرزهای ایران رفت و همه اذعان کردند که باید منتظر جوانان علمی و تحولات بنیادی در علم و تولید علم ایران بود.**

۳-ساخت نای مصنوعی

طراحی و ساخت نای مصنوعی پس از ۱۰ سال تلاش توسط دانشمندان ایرانی به پایان رسید. در پیوند معمولی نای اولا باید نای دهنده با گیرنده بررسی شود . ثانیا حتی اگر این سنخیت وجود داشته باشد باز هم گیرنده نای باید تا آخر عمر دارو مصرف کند تا پیوند پس نزند اما اگر از نای مصنوعی که از سلولهای بنیادی خود فرد ساخته و استفاده شود مشکلات فوق الذکر بر طرف می شود. این فکر اولیه دستیابی به این نوآوری جدید علمی بود. نای، مجرای تنفس است که ۱۲ سانتی متر طول دارد و گر چه طول آن کم است اما حیاتی ترین نقش را در انتقال هوا به ریه ها دارد، در کشور ما علاوه بر افرادی که دچار بیمارهای مختلف تنفسی هستند، جانبازان شیمیایی زمان جنگ نیز هستند که گاهی بالاجبار برای آنها لوله تراشه به جای نای گذاشته می شود اما این لوله ها نیز بعد از مدتی دچار تنگی می‌شوند و به عروق اطراف آسیب می‌رسانند که این تنگی نفس ثانویه نیز نیازمند عمل جراحی مجدد است. در زمان حاضر برای باز کردن نای از لیزر استفاده می‌شود اما گاهی این درمان هم جواب نمی دهد و چاره‌ای جز تعویض نای نیست. نوآوری که دانشمندان کشور ما انجام دادند این است که توانستند برای اولین بار در دنیا، تراشه و ساختار نای مصنوعی را با استفاده از پلیمرهای شبیه غضروف اصلی نای بسازند و بعد بر روی این اسکلت اصلی که فاقد سلولهای مجرای نای است، سلولهای بنیادی را کشت کنند. پس از کشت سلولهای بنیادی که از اعضای خود فرد گرفته می‌شود، آن را در شکم خود فرد درون پرده صفاقی می‌کارند تا سلولها رشد کنند و پس از ۶ ماه یک نای کامل با سلولهای خود فرد به دست می‌آید که آن را بر می‌دارند و به جای نای از بین رفته خود بیمار پیوند می‌زنند. مهم ترین مرحله، ساخت ماتریکس یا ساختار اصلی غضروف نای بود که پس از چندین سال تلاش بالاخره توانستیم به بهترین ساختار که دقیقا مانند ساختار غضروف نای اصلی است که خدا آفریده است برسیم به طوری که اسکلت ساخته شده حتی در زیر میکروسکوپ نیز با اسکلت نای طبیعی تفاوتی ندارد. نای مصنوعی تاکنون بر روی ۶ گوسفند پیوند زده شده است که در دو گوسفند اول که در مراحل اولیه تحقیق بودند این آزمایش موفقیت آمیز نبود و مردند اما استفاده از این روش بر روی ۴ گوسفند بعدی نتیجه داد و پیوند با موفقیت انجام شد. مرحله بعدی آزمایش و پیوند با استفاده از این روش جدید بر روی انسان است

*** ایرانی که نمی‌دانست رشته‌های معمولی علم چیست و برای هر دانش ساده‌ای به خارج دانشجو می‌فرستاد، برای هر عمل جراحی ساده‌ای بیمارش را روانه دیگر کشورها می‌کرد و برای هر کارخانه ساده‌ای تجهیزاتش را سفارش به ابرقدرتها می‌داد، امروز پذیرای هزاران بیمار خارجی است، صادر کننده ده‌ها و صدها دانش و تکنولوژی است.**

۴ - ابداع روش جدید مدل‌سازی سه بعدی تصاویر پزشکی

در روش کنونی پزشکان برای برنامه ریزی عملیات جراحی، تصاویر متعددی به صورت متوالی از مقاطع مختلف بدن تهیه می‌کنند و با استفاده از فاصله مقاطع حجم مورد نظر را محاسبه می کنند. به عنوان مثال برای تعیین حجم بافت یا استخوان یا تومور یا هر عامل دیگر پزشک تصاویر متوالی از مقاطع تهیه کرده و با استفاده از روش محاسبه احجام هندسی، اطلاعات مورد نظر را استخراج می کند. در روش ابداع شده با استفاده از تکنیک نماسازی حجمی تصاویر به صورت دیجیتالی در رایانه ذخیره می‌شود؛ سپس با استفاده از پیاده سازی یک سری از الگوریتم‌ها، با دنبال کردن یک سری عملیات، تصویر سه بعدی بافت به صورت کامل مشخص می‌شود و حجم آن محاسبه می‌شود. بدین ترتیب پزشک به راحتی می‌تواند از جهات مختلف آن را مورد بررسی قرار دهد؛ ضمن اینکه می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های رایانه ای بخشی از بافت را برش زده و قسمتهای درونی بافت را به صورت دقیق تر مورد بررسی قرار دهد

۵ - ساخت چهار داروی نو ترکیب

با توجه به پیشرفت های ایجاد شده در صنعت داروسازی کشور، برای اولین بار در تاریخ داروسازی ایران، داروهای نو ترکیبی برای بیماران ام اس (با عنوان سینووکس)، بیماران خاص (با عنوان اینترفرون بتا، گاما و آلفا) و مبتلایان به هپاتیتc (با عنوان اینترفرون پگنیله) توسط متخصصین داخلی ساخته و وارد بازار شده است. در واقع ساخت نخستین داروی نو ترکیب انسانی به نام گاما اینترفرون (گاما ایمونکس) سرآغاز ورود ایران به عرصه تولید داروهای نوترکیب به عنوان سومین کشور تولیدکننده این دارو پس از آلمان و آمریکا، می باشد و در این راستا قادر خواهد بود به تولید صنعتی این دارو در سطح بین المللی برسد و انحصار تولید این دارو شکسته شود. کنترل کیفیت و انجام مطالعات آزمایشگاهی این دارو از مسایل بسیار مهمی بود، که با موفقیت انجام شد. و این خود نشان دهنده ظرفیت‌های توسعه صنایع دارویی کشور است. این دارو ها در درمان مبتلایان به عفونت‌های خطرناکی همچون، گرانولوماتوز مزمن و استئو پتروزیس بدخیم به کار می‌رود. در واقع جانبازان شیمیایی دارای عوارض ریوی و بیماران CGD که مبتلا به نقص ژنتیکی منجر به گرانولوماتوز مزمن هستند ، مصرف‌کنندگان این دارو محسوب می‌شوند؛ که با مصرف این دارو ، کیفیت زندگی این بیماران به نحو بارزی بهبود می‌یابد. همچنین داروی گاما اینترفرون در درمان بیماری‌های مادرزادی، که فرد را مستعد عفونت می‌کند و برخی از سرطان‌ها به کار می‌رود.

۶- بیو ایمپلت‌های چشمی

بیوایمپلنت‌های چشمی برای نخستین بار در جهان در کشورمان به تولید انبوه رسید؛ بیو ایمپلت‌های چشمی از جنس پرده آمنیوتیک جنینی است و وقتی که روی زخم می‌نشینند می‌تواند باعث جوش خوردن سریع آن شود همچنین خاصیت ضد التهابی و ضد عروقی دارد و از رشد عروق مزاحم در نسج جلوگیری می‌کند.

این پرده آمنیوتیک با استفاده از یک حلقه کاریل بر روی چشم قرار می‌گیرد و بدون اینکه بخیه شود و یا نیاز باشد مریض به اتاق عمل برود پیوند می‌شود.

در واقع با تولید این بیوایمپلنت روش درمان زخم های قرنیه و برخی بیماری‌های چشمی به جای روش جراحی که یک ساعت تا ۴۵ دقیقه به طول می‌انجامید به یک روش درمانگاهی تبدیل می‌شود که ظرف مدت زمان چند دقیقه انجام می‌شود.

پیشرفت‌های کشور در زمینه فناوری‌های نوین پزشکی محدود به این بخش‌ها نمی‌شود وصدها وصدها عنوان مهم وقابل طرح دیگر را باید به این فهرست افتخار امیز اضافه کرد از آن جمله تولید داروی imod برای بیماران ایدز، تولید کیت‌های تشخیص HIV و HCV در کشور، تولید هورمون رشد انسانی، فاکتورهای خونی، تکثیر سلول‌های بنیادی بند ناف به منظور درمان سرطان یا صدمات بافت قلب و عصب و سلول‌های استخوانی، ترمیم ضایعات نخاعی، شبیه‌سازی، تولید سلول‌های بنیادی جنین، تولید واکسن اعتیاد و تلاش برای تولید واکسن آنفلوآنزا در داخل کشور از جمله دستاوردهای بزرگ کشور ما در عرصه فناوری‌های نوین است. **ادامه دارد**

دانشگاه در جبهه- ۲۰

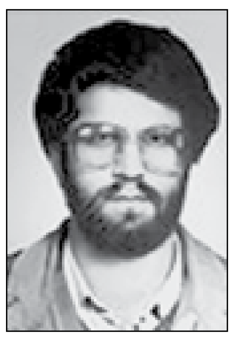

دانشجوی شهید علی اکبر همتی

شهید علی‌اکبر همتی مقدم فرزند اول خانواده بود و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی خود در بخش داورزن از توابع شهرستان سبزوار، در سال۱۳۴۷ وارد حوزهٔ علمیه قم شد. یک سال از اقامتش در قم گذشته بود که مرگ مادر او را عزادار نمود اما با توکل به خدا مدت ۸ سال در حوزهٔ علمیه به فراگیری علوم دینی پرداخت و همراه با آن دروس کلاسیک را نیز ادامه داد و در همان سال وارد مدرسهٔ عالی علوم سیاسی و امور حزبی آن روز شد.

پس از ورود به دانشگاه با عنایت به اندوخته‌های علمی خود در حوزه، در صدد برآمد تغییراتی در وضعیت و محیط آموزشی آنجا ایجاد کند. علی اکبر در سال ۱۳۵۶ به علت اقدامات ضد رژیم به همراه عده‌ای دیگر از دانشجویان به زندان افتاد. وی پس از مدتی آزاد شد و با شور و شوق فراوان در انقلاب شکوهمند اسلامی شرکت کرد و در سال۱۳۵۷ یکی از اعضای کمیتهٔ استقبال از حضرت امام(ره) بود.

پس از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی به عضویت شورای دانشکده انتخاب شد و در انقلاب فرهنگی دانشگاهها نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشت.

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع حرکت انقلاب فرهنگی و تشکیل نیروهای دانشگاهی خط امام در قالب جهاد دانشگاهی، او از زمره جهادگران گروه علوم انسانی و اجتماعی جهاد به حساب آمد و به نحوی بسیار شایسته نقش خویش را ایفا نمود و در جایگاه تصدی شاخه علوم سیاسی، هدایت نیروهای این رشته را بر دوش گرفت و گام‌های بلندی را در این زمینه برداشت.

از جمله طراحی سرفصل‌های فراگیر و متناسب در رشته علوم سیاسی، موضوع‌شناسی علم سیاست و... همزمان با طی مدارج تحصیلی به پیشرفت‌های بزرگی دست یافت و در آستانه اتمام دوره کارشناسی ارشد بود که در دوران مدیریت انقلابی دانشکده علوم سیاسی در آن وقت، به سمت معاونت دانشکده منصوب گشت او در زمان تعطیلی دانشگاهها در جنوب شهر به فعالیت فرهنگی و اسلامی پرداخت و مدیریت دبیرستان علوی تهران را نیز بر عهده داشت.

در سال۱۳۶۲ در جهاد دانشگاهی به عنوان مسئو ل کمیتهٔ علوم سیاسی آن نهاد همکاری خود را آغاز نمود و در سال۱۳۶۳ در رشتهٔ علوم سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس و در مقطع کارشناسی ارشد به تحصیلات خود ادامه داد.

علی اکبر با صدور فرمان تاریخی حضرت امام(ره) در سال۱۳۶۵ مبنی بر اولویت جنگ بر سایر امور با تشکیل ستاد پشتیبانی جنگ دانشگاه تربیت مدرس مسئولیت کمیتهٔ سیاسی آن ستاد را به عهده گرفت و عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد.

او در روز ۱۹ مردادماه ۱۳۶۵ در جبههٔ مهران در حین انجام وظیفه و پاسداری از ارزشهای فرهنگی انقلاب بر اثر ترکش مجروح و در غروب همان روز در بیمارستان به فیض عظیم شهادت نائل آمد .

اخلاق دانشجویی

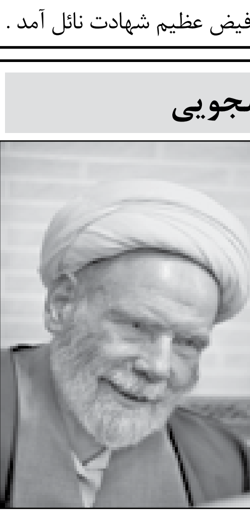

سه چیزی که انسان را به درخواست‌های دنیوی و اخروی می‌رساند

امام صادق(ع) می‌فرماید: سه چیز است که هر که به آنها چنگ زند، به خواسته‌های دنیا و آخرت خود می‌رسد: ۱- هر که به خدا چنگ بزند. (معصیت خداوند را انجام ندهد) ۲- آنچه که خداوند برای او می‌پسندد، بپسندد ۳- به خداوند متعال خوش گمان باشد.

حضرت فرمودند: اگر این سه چیز را رعایت کردی، به مطلوب دنیا و آخرتی‌ات می‌رسی. اوّلی‌اش این است که گناه را ترک کنی. ما اوّلی را گذاشتیم کنار و در دومی وسومی‌اش – نعوذ بالله- خیال می‌کنیم از خدا بهتر می‌فهمیم. این است که گره پس از گره در کار ما می‌افتد و بعد هم می‌نشینیم ناله می‌کنیم. ناله نکن! از همان اوّل برو گناه را ترک کن. دقّت کنید که حضرت روی طاعات دست نمی‌گذارد؛ بلکه روی ترک گناه تأکید می‌فرماید. گناه را ترک کن و امید به لطف خدا داشته باش. آن وقت هیچ‌گاه خدا نا امیدت نمی‌کند و مطلوب دنیا و آخرتت را به تو می‌دهد.

شوخی دانشجویی

افشای انشای محرمانه آقازاده!

موضوع انشاء : علم بهتر است یا ثروت؟

برهمگان واضح و مبرهن است که علم بهتر است. ما یعنی خودمان خیلی علم دوست داریم. اونقدر دوست داریم و هی علم آموزی کردیم که بابای ما بهمان می گوید بوعلی سینا.

البته ثروت هم می تواند چیز خوبی باشد. اما بابای ما بهمان یاد داده که پول باعث چرک شدن کف دست می شود و مکروب دارد. و برای همین است که ما همیشه پولها را تمیز می شوییم تا مکروب های کسیف باعث نشود ما مریز شویم و دیگر نتوانیم علم آموزی کنیم.

ما می دانیم وقتی پسر خوبی و درس خوانی هستیم، بابایمان و مادرمان بهمان افتخار می کنند. آن ها خیلی برای ما زهمت کشیدند تا ما علم آموزی کنیم. بابا نان داد. مامان ساندویچ درست کرد. خاهرمان همه ساندویچها را خورد. ما هم فقت درس می خانیم. اما بعزیها به ما هسودیشان می شود و از این همه علم آموزی ما حرصشان گرفته و مورچه گازشان گرفته است. بابای ما همیشه به ما می گفت که به این هسودها کاری نداشته باش و با خیال راهت درست را بخان تا دکتر شوی بوعلی سینای بابا، که چشمِ چشم سفیدشان در بیاید.

البته ما هم با مسعود اینا، مملی اینا، نوه ی ننجون اینا و چیز اینا! سردسته ی هسودان را سکه یه پول کردیم و کاری کردیم که دیگر کسی تهویلش نگیرد.

تا صورت هر کسی که غش کند سیاه شود...!

این بود انشای ما

دانشجو بلاگ

اشاره: دانشجو بلاگ ستونی است برای سرک کشیدن به وبلاگ های دانشجویی

امریکایی ها سینما مقاومت دارند ولی ما ...!

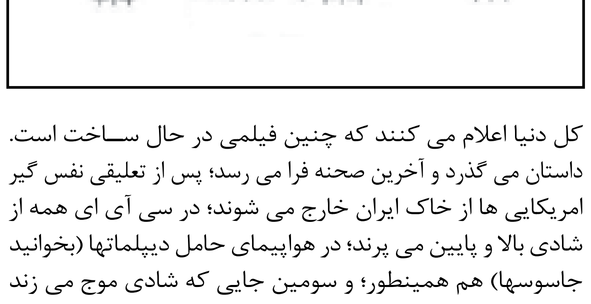

۱.چند هفته ای است که سریالی در شبکهNBC امریکا پخش می شود به نام revolution. داستان از جایی شروع می شود که کل جریان الکتریسیته زمین قطع می شود. یعنی برق و اینترنت و سیستم حمل و نقل و آب رسانی و تهیه غذا و هر چیز دیگری که زندگی شهری امروز بر پایه آن استوار است از کار می افتد. و این یعنی پایان کار دولتها و آغاز مهاجرت مردم به روستاها. داستان بلافاصله به ۱۵سال بعد از این اتفاق می رود و روایتگر زمین بدون الکتریسیته در آن دوران می شود. دنیایی پر از هرج و مرج که گروهی به زور اسلحه و شمشیر حاکمیت امریکا را به دست گرفته اند و به بهانه اداره دنیا از هیچ کشت و کشتاری فروگذار نمی کنند. حتی داشتن پرچم امریکا جرم تلقی می شود و حکمی جز اعدام در پی ندارد. و داستان از جایی زیبا می شود که گروهی مخفیانه با حک کردن پرچم امریکا بر تنشان و شروع مبارزات مخفیانه برای برگرداندن دولت و پرچم امریکا بر سر کار می جنگند؛ چرا که پس از گذشت ۱۵سال مردم به این نتیجه رسیده اند که صلح و آرامش و امنیت جز زیر سایه پرچم و دولت امریکا برایشان میسر نخواهد شد و برای بازگرداندن آرامش به جهان نیاز به بازگشت امریکا حس می شود. و این یعنی یک سینما مقاومت امریکایی واقعی!

۲.فیلم ضد ایرانی آرگو چند هفته ای است که تبدیل به خبرسازترین فیلم هالیوود شده است. فیلمی در مورد تسخیر سفارت امریکا در ایران و فرار ۶دیپلمات امریکایی از ایران.اصل داستان این است که CIA بدنبال راهی است برای فراری دادن این ۶ دیپلمات؛از بین گزینه های موجود طرحی تصویب می شود با عنوان سناریوی آرگو؛ بنابر این طرح قرار می شود این ۶نفر در پوشش یک گروه فیلمساز هالیوودی که مثلا برای پیدا کردن لوکیشن فیلمشان به ایران سفر کرده اند، از ایران خارج شوند. برای این کار لازم است که همه دنیا باور کنند که چنین فیلمی واقعا در حال ساخت است؛ تهیه کنندگان معروفی از هالیوود به همکاری می شتابند؛ بازیگران هالیوودی هم همینطور؛ برنامه فرش قرمز فیلم را در هالیوود برگزار می کنند و به کل دنیا اعلام می کنند که چنین فیلمی در حال ساخت است. داستان می گذرد و آخرین صحنه فرا می رسد؛ پس از تعلیقی نفس گیر امریکایی ها از خاک ایران خارج می شوند؛ در سی آی ای همه از شادی بالا و پایین می پرند؛ در هواپیمای حامل دیپلماتها (بخوانید جاسوسها) هم همینطور؛ و سومین جایی که شادی موج می زند هالیوود است؛ که بعنوان بخشی از یک پروژه ملی بزرگ جشن پیروزی گرفته است.

۳.فیلم یک خانواده محترم یک فیلم ایرانی است؛ فیلمی که با مشارکت سیمافیلم ساخته شده و تمام توانش را بر سیاه نمایی وضع کشور و توهین به تمام مقدسات گذاشته است. این فیلم فقط یک نمونه کوچک از سینمایی است که هر روز با یک فیلم و به یک نحو سعی در ارائه تصویری مکدر از ایران امروز دارد. یک روز با نام گشت ارشاد یک روز با نام من مادر هستم و یک روز با نام یک خانواده محترم. فیلمهایی که فرقشان با نمونه هالیوودی شان تنها در محل اخذ مجوز ساخت و مجوز اکران است! وگرنه چه تفاوتی است میان "سنگسار ثریا" و اعدام باران کوثری در فیلم جیرانی؟! هر دو حکم خدا را نشانه رفته اند؛ یکی با بد تصویر کردن سنگسار، و دیگری با مخدوش کردن قصاص؛ کارگردان یکی این را قبول دارد و دیگری نه؛ چه تفاوتی است میان آرگو و یک خانواده محترم؟یکی را هالیوود ساخته است،یکی را سیما فیلم! حال آنکه اقتضای طبیعت هالیوودی جماعت اصلا همین است که ضد ایران فیلم بسازد.

۴.هنرمند هالیوودی پای پرچمش قسم خورده است؛ خودش را بخشی از پروژه های ملی امریکا می داند؛ همپای سیاستمداران امریکا در عرصه های مختلف نقش ایفا می کند و بخشی از پازل امنیت ملی امریکا می شود؛ و هنرمند استعمارزده ما هنوز برای بزرگ نشان دادن خود حقیقت را ذبح می کند تا بگوید که مستقل از حاکمیت است؛ مستندساز هالیوودی وقتی inside job ، انتقادی ترین مستند در نقد نظام اقتصادی امریکا را می سازد پس از ۱۲۰ دقیقه نقد، در دیالوگ پایانی مستندش می گوید "ما کشور بزرگی هستیم، قدرت بزرگ جهان،بودیم و خواهیم بود، اما باید حواسمان را جمع کنیم که این نقاط ضعفمان را برطرف کنیم" و مجسمه آزادی و پرچم برافراشته امریکا را به رخ مخاطب می کشد؛ و برنده اسکار ۲۰۱۰ هم می شود؛ اما فیلمساز استعمارزده ما برای نقد یک آدم در فلان نهاد جزء، نسخه کل ایران و اسلام را می پیچد و چنان جامعه رو به انحطاطی را به تصویر می کشد که انگار نه انگار که از ایران مقتدر امروز سخن می گوید. و حتی اگر استعمارزده و شیفته هنر غربی هم نباشد، چنان اعتماد به نفسش را از او گرفته اند که شجاعت این را ندارد که به فیلمش به چشم یک پروژه ملی بنگرد. حالا می فهمیم فریاد حضرت روح الله را که "آن چیزی که ما را می ترساند استعمار فرهنگی است".

وبلاگ عَلَم سیاه
alamesiah.blogfa.com